

## زنان درون گرا و برون گرا

### (اعتماد در روابط بین فردی، همدلی عاطفی و کفایت اجتماعی)

#### سارا درخشی پور

کارشناسی ارشد روانشناسی شخصیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان

#### چکیده

درون گرایی و برون گرایی، یکی از ابعاد شخصیتی هستند که بیشتر در مطالعات شخصیتی یونگ و آیزنک مشاهده می شود. برخی پژوهشگران آن ها را تحت عنوان ابعاد، برخی دیگر تحت عنوان مؤلفه و برخی نیز تیپ های شخصیتی در نظر گرفته اند. در این مقاله اعتماد در روابط بین فردی، همدلی عاطفی و کفایت اجتماعی زنان درون گرا و برون گرا بررسی شد. در این مقاله به منظور گردآوری داده ها از ابزار آزمون شخصیت آیزنک (EPQ)، مقیاس اعتماد (TS)، مقیاس همدلی (ES)، پرسش نامه کفایت اجتماعی (SCT) استفاده شد. پس از جمع آوری پرسش نامه ها، داده ها وارد نرم افزار SPSS شد و داده ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در انتها به این نتیجه رسیدیم که بین همدلی عاطفی در بین زنان درون گرا و برون گرا تفاوت وجود دارد و بین کفایت اجتماعی در بین زنان درون گرا و برون گرا تفاوت وجود دارد.

**واژه های کلیدی:** زنان درون گرا، برون گرا، تیپ های شخصیتی.

## مقدمه

شخصیت<sup>۱</sup> ساختار فرضی پیچیده‌ای است که به صورت‌های مختلف تعریف شده است. دامنه تعاریف موجود، از مفهوم فرایندهای درونی سازمانی تا رفتارهای مشهود ناشی از تعامل افراد در نوسان است (فتیحی آشتیانی، ۱۳۸۸). مدی<sup>۲</sup> (۱۹۸۹)، شخصیت را مجموعه‌ای باثبات از تمایلات و ویژگی‌ها می‌داند که مشترکات و تفاوت‌های رفتاری-روان‌شناختی (افکار، احساسات و اعمال) افراد را تعیین می‌کند و ممکن است، به آسانی به عنوان نتیجه فشارهای زیست‌شناختی و اجتماعی زمان قابل درک نباشد. صفات شخصیت اولین راهنمای تشخیص وضعیت شناختی و عاطفی افراد هستند و بر نقش‌های عاطفی-اجتماعی و رفتارهای بین فردی یا شغلی افراد تأثیر می‌گذارند. آیزنک<sup>۳</sup> که از نظریه‌پردازان شخصیت است، اظهار می‌دارد که ابعاد شخصیت، آفریده‌های انفرادی فرهنگ نیستند، بلکه ثمره ساخت زنتیک و نوروفیزیولوژیک گونه انسان هستند (موینی هان<sup>۴</sup> و پترسون<sup>۵</sup>؛ ۲۰۰۱). ویژگی‌های شخصیتی مانند درون‌گرایی<sup>۶</sup> و برون‌گرایی<sup>۷</sup> توضیح می‌دهند که چرا افراد مختلف در موقعیت‌های یکسان عملکرد متفاوتی از خود نشان می‌دهند (ریو<sup>۸</sup>؛ ۲۰۰۸، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۲). این تیپ‌ها، خصوصیات ذاتی فطری هستند که در جریان زندگی قابل تغییر و اصلاح هستند (راس<sup>۹</sup>؛ ۱۹۹۴). صفت برون‌گرایی و درون‌گرایی از ابعاد مرکزی نظریه‌های شخصیت انسانی است که اولین بار توسط یونگ<sup>۱۰</sup> معرفی شد. تقریباً تمام مدل‌های شخصیتی جامع این دو مفهوم را دارا هستند، از جمله مدل سه عاملی آیزنک، نظریه شانزده عاملی کتل<sup>۱۱</sup> و پنج صفت بزرگ شخصیتی. یونگ، معتقد بود که درون‌گرایی و برون‌گرایی یک مسیر انرژی روانی است. اگر انرژی روانی فردی به بیرون جریان داشته باشد، آن شخص برون‌گراست. در حالی که اگر این انرژی به سمت درون جریان داشته باشد، آن شخص ویژگی‌های درون‌گرایی دارد (کوهن<sup>۱۲</sup> و اسمیت<sup>۱۳</sup>؛ ۱۹۷۹، به نقل از سپهریان آذر، ۱۳۹۱). شخص درون‌گرا اغلب متوجه عوامل درونی و ذهنی است و تحت تأثیر این عوامل قرار دارد، شرایط و اوضاع و احوال بیرونی را می‌بیند، اما عواملی درونی و عناصری ذهنی در او برتری و مزیت دارند و حاکم بر رفتار و احوال او هستند. فرد درون‌گرا، دو دل، متفکر و محتاط است، به بیرون و به جهان خارج گرایش دارد، توجه فرد به امور و اشیا خارج است و از نظر اجتماعی درگیر، فعال و متهور است (پروین<sup>۱۴</sup> و جان<sup>۱۵</sup>؛ ۲۰۰۲، ترجمه جوادی و کدیور (۱۳۹۵)).

## فرضیه اصلی

بین اعتماد در روابط بین فردی، همدلی عاطفی و کفایت اجتماعی در بین زنان درون‌گرا و برون‌گرا تفاوت وجود دارد.

## فرضیه‌های فرعی

- (۱) بین اعتماد در روابط بین فردی در بین زنان درون‌گرا و برون‌گرا تفاوت وجود دارد.
- (۲) بین همدلی عاطفی در بین زنان درون‌گرا و برون‌گرا تفاوت وجود دارد.

---

1personality  
 2Maddi  
 3Eysenck  
 4Moynihan  
 5Peterson  
 6introversion  
 7extraversion  
 8Reeve  
 9Raas  
 10Jung  
 11Cattell  
 12Johansen  
 13Schmidt  
 14Mervin  
 15John

۳) بین کفایت اجتماعی در بین زنان درون‌گرا و برون‌گرا تفاوت وجود دارد.

### تعریف مفهومی

**درون‌گرایی-برون‌گرایی:** از نظر آیزنک (دی یونگ<sup>۱</sup> و گری<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹)، جهت‌گیری برون‌گرایان به سوی منابع خارجی تحریک و عوامل اجتماعی و فیزیکی محیط است. در مقابل، درون‌گرایان که در انتهای دیگر پیوستار قرار دارند، دارای جهت‌گیری درونی هستند. وی برون‌گرایان را به صورت افرادی سرزنده، اجتماعی، خون‌گرم، زودجوش، خوش‌بین و تکانشی توصیف می‌کند. برون‌گرایان افرادی آسان‌گیر، صمیمی، شورانگیز، خوش‌برخورد و پرهیجان هستند. بر عکس، درون‌گرایان افرادی انزواطلب، تودار، منفعل، محتاط و مهار شده هستند.

**اعتماد در روابط بین فردی:** اعتماد در روابط بین فردی میزانی است که یک فرد بر مبنای کلمات، اقدامات و تصمیمات دیگری به نیت و عمل او اطمینان می‌کند (مک آلیستر<sup>۳</sup>، ۱۹۹۵).

**همدلی عاطفی:** همدلی عاطفی به معنای دیدن دنیا از زاویه دید دیگران، توانایی عاطفی برای درک هیجان‌ها و توانایی شناخت برای فهم معنای هیجان‌ها اشخاص دیگر است. همدلی عاطفی به فرد این امکان را می‌دهد، در احساسات دیگران شریک شود. بنابراین، برای شکل‌گیری روابط بین‌فردی و اجتماعی پایدار بسیار ضروری است (هاوکینز و ترابست، ۲۰۰۰).

**کفایت اجتماعی:** کفایت اجتماعی به این که افراد چگونه دیدگاه‌ها، احساسات، افکار و انگیزش‌های خود و دیگران را در می‌یابند و درباره روابط اجتماعی چگونه می‌اندیشند، گفته می‌شود (فلاول<sup>۴</sup>، ۱۹۸۵)، به نقل از جوکار، (۱۳۹۵).

### تعریف عملیاتی

**درون‌گرایی-برون‌گرایی:** در پژوهش حاضر، منظور از درون‌گرایی-برون‌گرایی نمره‌ای است که فرد از آزمون شخصیت آیزنک<sup>۵</sup> (EPQ) به دست آورده است.

**اعتماد در روابط بین فردی:** در پژوهش حاضر، منظور از اعتماد در روابط بین فردی نمره‌ای است که فرد از مقیاس اعتماد<sup>۶</sup> (TS) به دست آورده است.

**همدلی عاطفی:** در پژوهش حاضر، منظور از همدلی عاطفی نمره‌ای است که فرد از پاسخ‌گویی به مقیاس همدلی<sup>۷</sup> (ES) به دست آورده است.

**کفایت اجتماعی:** در پژوهش حاضر، منظور از کفایت اجتماعی نمره‌ای است که فرد از پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه کفایت اجتماعی<sup>۸</sup> (SCT) به دست آورده است.

خردمند، جلالی و شمس اسفندآباد (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان مقایسه همدلی شناختی و عاطفی در دو گروه دارای سبک شخصیت جرأت‌ورز و ضداجتماعی، به بررسی دانشجویان دانشگاه بین‌المللی امام خمینی پرداختند. نتایج نشان داد که همدلی عاطفی در افراد دارای سبک شخصیت ضداجتماعی کمتر از افراد جرأت‌ورز است و همدلی شناختی در دو گروه تفاوتی ندارد.

### پیشینه تحقیق

امیدیان و علیپور (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان نقش واسطه‌ای هوش فرهنگی در رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی، دانشجویان دانشگاه‌های شمال خوزستان مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد

1DeYoung

2Gray

3Mcallister

4Flavell

5Eysenck Personality Questionair (EPQ)

6Trust Scale (TS)

7Empathy Scale (ES)

8Social Competence Test (SCT)

که ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی، گشودگی و وجدانی بودن از طریق هوش فرهنگی بر مهارت‌های اجتماعی اثر غیرمستقیم مثبت دارند.

شمسی و امیریان‌زاده (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان نقش واسطه‌ای خودکارآمدی در رابطه ویژگی‌های شخصیتی با مهارت اجتماعی، به بررسی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول شهر شیراز پرداختند. نتایج نشان داد که انعطاف‌پذیری و برون‌گرایی با مهارت اجتماعی رابطه معنی‌داری ندارد.

آفتاب، تقی‌لو و کربلایی محمد میگونی (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان بررسی مدل ساختاری روابط بین ویژگی‌های شخصیت مرزی، دشواری‌های بین فردی و اعتیاد به اینترنت، ساکنان شهر کرج را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که دشواری‌های بین فردی رابطه بین ویژگی‌های شخصیت مرزی و اعتیاد به اینترنت را میانجی‌گری می‌کند.

محمدزاده و طالبی (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان مقایسه همدلی عاطفی و حمایت اجتماعی دانشجویان زن مجرد و متأهل مقطع ارشد دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران به این نتیجه دست یافتند که همدلی عاطفی زنان متأهل بالاتر از زنان مجرد است.

هولی<sup>۱</sup> و ماسلاند<sup>۲</sup> (۲۰۱۶)، در پژوهش خود دریافتند که اختلال شخصیت مرزی با بی‌ثباتی در عاطفه، روابط بین فردی، رفتار و خودپنداره مشخص می‌شود.

دستی<sup>۳</sup> و چن<sup>۴</sup> (۲۰۱۵)، در پژوهشی دریافتند که جامعه‌سستیزی با پردازش غیرعادی هیجانی، کاهش احساس گناه و همدلی که عوامل مهمی در رفتار جنایی هستند، ارتباط دارد.

ریس<sup>۵</sup> (۲۰۱۵)، در پژوهش خود نشان داد که آموزش همدلی با افزایش درک فرد با بالا بردن آگاهی وی از خود و دیگران، افزایش پاسخ‌های همدلانه با استفاده از تنظیم هیجان و گرفتن چشم‌انداز که منجر به افزایش دقت در همدلی می‌شود، بازخورد مثبتی برای آزمودنی فراهم می‌آورد.

جکسون<sup>۶</sup>، اتوگ<sup>۷</sup> و ترمبلی<sup>۸</sup> (۲۰۱۵)، نشان دادند که آموزش همدلی با ارتقاء نگرانی همدلانه و شفقت به عنوان یک مؤلفه حساس موجب افزایش حس مسئولیت‌پذیری و پاسخگو بودن می‌شود.

مارکوس<sup>۹</sup> (۲۰۱۴)، در پژوهشی با عنوان دگرگونی همدلی در مردان دچار اختلال شخصیت خودشیفته همراه با ویژگی‌های جامعه‌سستیزی، به بررسی همدلی در این گروه پرداخت. وی در پژوهش خود دریافت که در افراد جامعه‌سستیز، احساسات بدنی نسبت به رنج کشیدن دیگران افزایش می‌یابد و افراد دچار اختلال خودشیفتگی تمایل کمتری به همدلی دارند.

### طرح پژوهش

روش پژوهش حاضر، علی-مقایسه‌ای (علی پس از وقوع) بود. بدین صورت که پژوهشگر به دنبال کشف و بررسی تفاوت بین متغیرها یا عواملی است که از قبل وجود داشته‌اند که این امر از طریق بررسی نتایج حاصل می‌شود. به عبارت دیگر، پژوهشگر قصد دارد از طریق بررسی معلول به علت احتمالی پی ببرد.

### ابزار پژوهش

در این پژوهش به‌منظور گردآوری داده‌ها از ابزار زیر استفاده شد:

1Hooley

2Masland

3Decety

4Chen

5Riess

6Jackson

7Eugene

8Tremblay

9Marcoux

۱) آزمون شخصیت آیزنک (EPQ)

۲) مقیاس اعتماد (TS)

۳) مقیاس همدلی (ES)

۴) پرسش‌نامه کفایت اجتماعی (SCT)

### روش انجام پژوهش

پژوهشگر پس از کسب مجوز از واحد پژوهش دانشگاه در جهت انجام پژوهش در نظام مهندسی تهران، از بین زنان شاغل در این نظام تعداد ۲۰۰ زن به صورت در دسترس انتخاب شدند و پرسش‌نامه شخصیتی آیزنک در اختیار آنان قرار داده شد. پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها و تحلیل داده‌ها تعداد ۵۰ زن درون‌گرا و ۵۰ زن برون‌گرا از بین افرادی که بالاترین نمره را در برون‌گرایی و درون‌گرایی به دست آورده بودند، به صورت تصادفی برگزیده شدند و از ایشان خواسته شد تا به پرسش‌نامه‌های اعتماد در روابط بین فردی، همدلی عاطفی و کفایت اجتماعی پاسخ دهند. همچنین، در ابتدای توزیع پرسش‌نامه‌ها به آزمودنی‌ها در خصوص محرمانه بودن پاسخ‌هایشان اطمینان داده شد. در حین پاسخگویی به پرسش‌نامه‌ها توسط آزمودنی‌ها به سؤالات و ابهامات ایشان نیز پاسخ داده شد. پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، داده‌ها وارد نرم‌افزار SPSS شد و داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

### بحث و بررسی فرضیه‌های پژوهش

#### فرضیه اصلی:

**بین اعتماد در روابط بین فردی، همدلی عاطفی و کفایت اجتماعی در بین زنان درون‌گرا و برون‌گرا تفاوت وجود دارد.**

در پژوهش حاضر، چنین فرض شد که بین اعتماد در روابط بین فردی، همدلی عاطفی و کفایت اجتماعی در بین زنان درون‌گرا و برون‌گرا تفاوت وجود دارد. بر اساس یافته‌های این پژوهش تحلیل یافته‌ها از طریق تحلیل واریانس نشان دهنده این است که بین دو گروه از زنان درون‌گرا و برون‌گرا بر اساس اعتماد در روابط بین فردی، همدلی عاطفی و کفایت اجتماعی تفاوت معنادار و در سطح ۰/۰۱ وجود دارد به طوری که می‌توان ادعان داشت میزان اعتماد بین فردی، همدلی عاطفی و کفایت اجتماعی در بین زنان گروه برون‌گرا بیشتر از زنان گروه درون‌گرا می‌باشد که این نتایج با یافته‌های ریف<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۰)؛ سوسا و همکاران (۲۰۱۰)؛ لاورنس، شاو، بیکر، بارون کوهن، و دیوید (۲۰۰۴)؛ هریس (۲۰۰۰) همسو است.

در واقع می‌توان گفت که همدلی عاطفی عنصری ضروری برای عملکردهای موفقیت آمیز بین شخصی (سوسا و همکاران، ۲۰۱۰)؛ پاسخ دهی هیجانی به احساسات فرد دیگر (دیواید، ونبوکستل، ۲۰۰۶؛ شامای-تسوری، هارون پرتز و پری، ۲۰۰۸)؛ نومنما، هیروانن، پارکولا و هیتانن، ۲۰۰۸) و فرایند زیر بنایی تغییرات روان شناختی واقعی است که از طریق توانایی سهیم شدن در حالات هیجانی دیگری، دریافت پسخوراند منظم از روابط بین شخصی (پرانیس، ۲۰۰۸)، مشکلات بین شخصی را کاهش می‌دهد و زمینه بهبود روابط اجتماعی را فراهم می‌سازد. احساس کفایت اجتماعی و همدلی به فرد اجازه برقراری تماس موثر با محیط اجتماعی پیرامون خود را می‌دهد، او را با محیط اجتماعی پیوند می‌زند کمک به دیگران را برای

1Rieffe

2Sousa

3Lawrence, Shaw, Baker, Baron-Cohen & David

4Harris

5De -Wied & Boxtel

6Shamay-Tsoory, Aharon-Peretz & Perry

7Nummenmaa, Hirvonen, Parkkola & Hietanen

8Pranis

فرد تسهیل و از وارد کردن آسیب به افراد دیگر جلوگیری میکند (بارون، کاهن و ویلرایت، ۲۰۰۴). این ویژگی ها به فرد کمک میکند تا کیفیت روابط بین شخصی خود را بهتر سازد تا مشکلات مربوط به کیفیت روابط بین شخصی را کاهش دهد و اعتماد در روابط بین فردی تقویت شود. همدلی ویژگی شخصیتی است که با کیفیت روابط بین شخصی مرتبط است و از طرفی هم با برونگرایی و درونگرایی مرتبط است. بنابراین، انتظار می رود همبستگی بین همدلی و روابط انسانی معنادار باشد. بر عکس، میتوان انتظار داشت رابطه بین همدلی و عوامل شخصیتی چون پرخاشگری و خصومت، که کیفیت روابط بین شخصی را مختل میکنند، منفی باشد (حجت، زاكرمن، مگی، منگیون، ناسکا، ورگار و همکاران؛ ۲۰۰۵). روابط اجتماعی مثبت مستلزم ظرفیت فهم هیجان ها و تجربیات حسی فرد دیگر است. به علاوه، روابط اجتماعی مناسب به تجربه جانشینی هیجان هایی مشابه با آنچه در افراد دیگر وجود دارد کمک می -کند. این تجربه و توانایی به لحاظ شناخت شناسی بسیار مهم است به دلیل این که ارزیابی مستقیمی از رفتارهای دیگری را فراهم میکند (دیستری، ۲۰۰۴؛ به نقل از فیتزگیبون، گیومارا، کاریستیانیس، انتیکات و بردشاو؛ ۲۰۱۰).

نتایج این پژوهش با سطح بالای برونگرایی و سطح پایین روان رنجورخویی با رفتارهای سازگار و سلامت روان شناختی مرتبط می باشد که با یافته های پژوهش های هیلز و آرگایل (۲۰۰۱) و گروسی فرشی، مانی و بخشی پور (۲۰۰۷) همخوان است. همچنین نتایج پژوهش یو و کیرک (۲۰۰۸) در مروری بر ۲۹ مقاله دریافتند که متغیرهای زیادی همچون سن، تجربه، ویژگی های شخصیتی، تحصیلات، جنسیت، نگرش، شرایط محل کار و سبک رهبری مربوط به پرستاران در محیط کار با همدلی عاطفی آنان در ارتباط است که همخوان با پژوهش حاضر است و زنان برونگرا در محیط کار در سازمان نظام مهندسی، از همدلی عاطفی بیشتری بهره می برند.

در واقع افراد برونگرا نسبت به افراد درونگرا از القای خلق مثبت، بیشتر تأثیر می پذیرند، درحالی که در مورد خلق منفی، تفاوتی بین دو گروه وجود ندارد. افراد برونگرا، با ثبات، مهربان، نازک دل و خوشبین، شادترند چون افراد برونگرا بیشتر از درونگراها معتقدند که امتیازات شخصی به شادکامی منجر میشود و افراد خشن و قوی نیز بیشتر از افراد مهربان و نازکدل باور دارند که آزادی در زندگی و کار باعث شادکامی میشود.

در تبیین یافته های این بخش از پژوهش چنین بنظر می رسد که برونگرایی که از جنبه های (گرمی و محبت، جمع گرایی، جرات ورزی، فعالیت، هیجان خواهی، عواطف مثبت و مطلوب) تشکیل یافته است به افراد این امکان را می دهد فضای شاد و دل انگیزی را در خانواده، محیط کاری و در روابط اجتماعی ایجاد کنند و سطح سازگاری خودشان را بالا برند. اساساً ویژگی برونگرایی دارای قابلیت شوخ طبعی و شادمانی بوده و شرایط زندگی مطلوب را بوجود می آورد (گروسی، صوفیانی، ۱۳۸۷). همسازی (دلپذیر بودن) که از جنبه های (اعتماد، درستکاری و صراحت، نوع دوستی، فرمانبرداری، میانه روی و فروتنی) تشکیل یافته است موجب ایجاد روحیه دل رحمی و صداقت در روابط خانوادگی می شود که الگوی رفتاری خوبی برای سازگاری در روابط است. بدین ترتیب نتایج پژوهش موید آن است که ویژگی های شخصیتی (درونگرایی و برونگرایی) همچنان به عنوان عامل مهم در تبیین اعتماد در روابط بین فردی، همدلی و کفایت و شایستگی های اجتماعی از اهمیت و جایگاه خوبی برخوردار است.

#### فرضیه های اختصاصی:

##### فرضیه اول:

بین اعتماد در روابط بین فردی در بین زنان درون گرا و برون گرا تفاوت وجود دارد.

براساس نتایج و یافته‌ها، نتایج تحلیل واریانس نشان می‌دهد که بین دو گروه از زنان درون‌گرا و برون‌گرا بر اساس اعتماد در روابط بین فردی تفاوت معنادار و در سطح ۰/۰۱ وجود دارد به طوری که می‌توان ادعان داشت میزان اعتماد بین فردی در بین زنان گروه برون‌گرا بیشتر از زنان گروه درون‌گرا می‌باشد که این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های چلیبانلو و گروسی فرشی (۱۳۸۹)، بشارت و همکاران (۱۳۹۳)، انگلس<sup>۱</sup> و دیگران، (۲۰۰۵)، مارک آلن<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۱) و گارسیا-لوپز<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۸) همسو است که بیانگر نقش ویژگی‌های شخصیتی در نوع و تعیین کیفیت روابط بین فردی است و در این پژوهش نیز این موضوع مورد تایید قرار گرفت.

در تبیین همخوانی این نتایج با سایر پژوهش‌ها باید گفت که اعتماد مقدمه ارتباط با دیگران و نگرش نسبت به خود و دنیای اطراف است که بر رفتار و اعمال ما تأثیر می‌گذارد. ریشه این نگرش نظریه اریکسون است که بیان می‌کند اعتماد از تجربیات اولیه دوران کودکی حاصل میشود و جزء ارکان ضروری شکل‌گیری هر گونه رابطه‌ای است. برای تداوم یک رابطه باید به گونه‌ای قابل اعتماد عمل کرد یا رفتاری قابل اعتماد داشت. این حکم، روابط دو نفره، فامیلی، محیط کار، ازدواج و هر گونه رابطه بین فردی را در بر می‌گیرد. اعتماد یکی از مهمترین کیفیت‌ها در هر رابطه نزدیک و صمیمی است و بیشتر در کنار تعهد و عشق به عنوان هسته مرکزی رابطه ایده آل در نظر گرفته می‌شود (براون، زیگلر-هیل<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱).

ما بخش عمده‌ای از زندگی خودمان را در ارتباط با دیگران می‌گذرانیم. برقراری ارتباط موثر در دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم، اهمیت بسیار زیادی دارد و در میان پیچیدگی‌های زندگی قرن ۲۱، استرس‌های رو به افزایش و مشکلات زیادی که افراد با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، چگونگی ارتباطات، شبکه حمایت اجتماعی و مهارت‌های بین فردی به طور خاص تری، موفقیت و بهزیستی انسانها را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ در نتیجه برخورداری از یک شبکه حمایت اجتماعی حاکی از هوشمندی بشر امروزی است و ارتباط میان فردی یک تعامل‌گزینشی نظام مند منحصر به فرد و روبه پیشرفت است که سازنده شناخت طرفین از یکدیگر و محصول این شناخت بوده و موجب خلق معانی مشترک در بین آنها می‌شود. برخی شواهد تجربی، میزان شیوع مشکلات بین فردی را در نوجوانان ۲ تا ۹ درصد گزارش کرده‌اند (فیم<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۵؛ به نقل از تقی‌لو و همکاران، ۱۳۹۰). تجربه مشکلات بین فردی در افراد، به فقدان تعاملات بین فردی موفقیت-آمیز با همسالان (همجنس و غیر همجنس)، والدین و نیز عدم وجود جرأت ورزی در آنها اشاره می‌کند که میزان اعتماد در روابط بین فردی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (انگلس و همکاران، ۲۰۱۰). مشکلات بین فردی و عدم اعتماد در روابط، مشکلاتی هستند که در رابطه با دیگران تجربه میشوند و آشفتگی روانی ایجاد میکنند (هرویتز<sup>۶</sup>، ۱۹۹۴) یا با این دسته از ناراحتی‌ها (آشفتگی‌های روانی) در ارتباط قرار می‌گیرند. همچنین نتایج پژوهش باقری زیاری (۱۳۹۴)، نیز نشان داد که بین ویژگی‌های شخصیتی افراد و اعتماد در روابط بین فردی آنها با صمیمیت اجتماعی شان ارتباط معنی‌داری وجود دارد. همچنین، خرده‌مقیاس‌های مؤلفه‌های ویژگی‌های شخصیت با خرده‌مقیاس‌های اعتماد بین فردی هم‌بستگی معنی‌داری دارند که تایید کننده پژوهش حاضر و همسو با آن است.

انگلس و دیگران (۲۰۰۵) به منظور تبیین نظری سطوح متمایز تجارب مشکلات بین فردی در نوجوانان، بر نقش عوامل بازدارنده یا مداخله‌کننده فردی و موقعیتی در بروز رفتار اجتماعی تأکید دارند. عوامل فردی میتوانند شامل تعیین‌کننده‌های زیست‌شناختی، برخی از رگه‌های شخصیتی مانند درون‌گرایی و منابع اصلی نارسایی رفتاری (مثل نارسایی در مهارت‌های اجتماعی) باشد در حالی که عوامل موقعیتی به تقاضاهای محیط اجتماعی (مثل مواجهه با انتقاد بی‌اساس

<sup>1</sup>Ingles

<sup>2</sup>Mark S. Allen,

<sup>3</sup>García-López, L.

<sup>4</sup>Brown & Zeigler-Hill

<sup>5</sup>Fime

<sup>6</sup>Horowitz

که فرد را ترغیب میکنند پاسخی قاطعانه بدهد)، ویژگیهای فرد یا افراد دیگر (مثل جنس مخالف) و بافت رابطه بین فردی مثل مدرسه اشاره می کند.

به طور کلی بین خرده مقیاسهای اعتماد در روابط بین فردی (پیش بینی پذیری - قابلیت اعتماد- وفاداری) با برونگرایی- درونگرایی در زنان تفاوت وجود دارد، اما بین خرده مقیاسهای قابلیت اعتماد و وفاداری در بین زنان برونگرا و درونگرا تفاوت معناداری مشاهده نگردیده است. ولی با تاکید بر ضریب ایتای ۰/۶۴ میتوان اذعان داشت که پیش بینی پذیری در بین گروه برونگرا و درونگرا تا ۶۴ درصد قدرت تبیین دارد که این موضوع نیز موید تایید پژوهش های مذکور است.

به طور تجربی تایید شده است که کیفیت روابط و میزان اعتماد در روابط بین فردی پیوند عمیقی با ابعاد روان شناختی و ویژگی های شخصیتی دارد و به همین دلیل کیفیت و ماهیت روابط بین شخصی، رابطه بین مهارتهای اجتماعی و سلامت روانشناختی را در افراد تبیین و تعدیل می کند (سگرین و تیلور، ۲۰۰۷). در مواجهه با استرس ها و بحران ها، اگر فرد مهارت بین فردی کافی نداشته باشد، توانایی کمتری برای روبه رو شدن با بحران دارد و این افراد مستعد پدید آیی نشانه ها مرضی بیشتری هستند (دی وان و همکاران، ۲۰۰۴). ویژگیهای شخصیتی، برونگرایی، با مؤلفه های راحتی با خود، راحتی با دیگران و توانایی رویارویی با مقتضیات رابطه معناداری دارند. یکی از دلایل این امر این است که برونگرایان بیش از افراد درونگرا به تجارب جدید دست می زنند و روابط اجتماعی بیشتری نسبت به آنها دارند و یکی از عوامل شادکامی داشتن پیوندها و روابط اجتماعی است. از سوی دیگر، درونگرایی با انزوای بیشتر و خلق پایین همراه است و از این رو درونگرایان، شادی کمتری نسبت به برونگرایان تجربه می کنند.

بر اساس دیدگاه های بین فردی، الگوهای بین شخصی غیرانطباقی، نتیجه تعاملات جاری فرد و محیط اجتماعی اوست. روابط بین شخصی، نه تنها رفتار اجتماعی افراد را شکل می دهند، بلکه بر احساس فرد از خود و دیگران تاثیر گذارند (آلدن و تیلور، ۲۰۰۴). در بررسی ویژگی های شخصیتی افراد، جنسیت و صفات جسمانی آنها همیشه مورد توجه بوده است و از طرفی از آنجایی که وجود تعارض در روابط شخصی و اجتماعی افراد جز اجتناب ناپذیر هستی انسان است، اما تعارض بسته به نوع ویژگی شخصیتی فرد می تواند به کیفیت روابط و هم به رشد تعارض منجر شود و باعث آسیب های متعددی برای فرد شود (باباپور، ۱۳۸۵)، از سویی دیگر هر چه در حیطه روابط بین فردی مشکلات بیشتری داشته باشیم و مهارتهایمان برای مقابله با این مساله کمتر باشد، شانس زندگی بهتر و رضایت سلامتی را از دست خواهیم داد. در تعدادی از نظریه ها، روابط بین فردی هم می تواند زمینه ساز بروز مشکل باشد و هم به عنوان پیامد مشکلات روانی و جسمانی، زندگی فرد را تحت تاثیر قرار دهد. مشکلات بین فردی می تواند حیطه های مختلف زندگی فرد را تحت تاثیر قرار دهد که از آن جمله می توان به اجتماعی شدن، جرات ورزی، حمایت پذیری و صمیمیت اشاره کرد. همچنین مشکلات بین فردی می تواند نقش مهمی در ایجاد اختلال های روان شناختی مختلف ایفا کند و کیفیت زندگی و بهزیستی فرد را با مشکل مواجه سازد (هرویتز و همکاران، ۱۹۸۸).

#### فرضیه دوم:

#### بین همدلی عاطفی در بین زنان درون گرا و برون گرا تفاوت وجود دارد.

یافته های حاصل از تحلیل واریانس یک طرفه این پژوهش نشان می دهد که بین دو گروه از زنان درون گرا و برون گرا بر اساس همدلی عاطفی تفاوت معنادار و در سطح ۰/۰۱ وجود دارد به طوری که می توان بیان کرد، همدلی عاطفی در بین زنان گروه برونگرا بیشتر از زنان گروه درونگرا می باشد که این یافته ها با نتایج پژوهش های آنگ، هانگ، چان، چئونگ و لیو<sup>۴</sup> (۲۰۱۵)؛ خدابخش و کیانی (۱۳۹۴)؛ محمدزاده و طالبی (۱۳۹۵)؛ خردمند، جلالی و شمس اسفندآباد (۱۳۹۷)؛ سانگ و

1Segrin & Taylor

2Dewan & et al

3Alden & Taylor

4Ang, Huan Chan Cheong & Leaw



شای (۲۰۱۷) و مارکوس (۲۰۱۴) به صورت غیر مستقیم همسو است که نشان دادند همدلی شناختی و عاطفی در گروه های مورد مطالعه آنها با ساختارهای شخصیتی غیربالینی همخوانی دارد.

همچنین این یافته ها در راستای نتایج تحقیقات حجت و همکاران (۲۰۰۵)، اسکینر و اسپورژن (۲۰۰۵)، یو و کیرک (۲۰۰۸) و دباریو، آلوجا و گارسیا (۲۰۰۴) که بر اهمیت توجه به ویژگی های شخصیتی در همدلی عاطفی صحت گذاشته اند، قرار دارد. در پژوهش اخیر نمرات بالای همدلی با میزان اجتماعی بودن بیشتر و پرخاشگری - خصومت کمتر در گروه مورد مطالعه در ارتباط بوده است (حجت و همکاران، ۲۰۰۸).

افراد برونگرا نسبت به همکاران درونگراتر خود عواطف مثبت بیشتری را تجربه کرده و از نظر پر انرژی بودن و مردم آمیزی در سطح بالاتری عمل می کنند. یافته های حاصل از مطالعه حاضر نیز در همین راستا قرار داشته و حکایت از همدلی عاطفی بالای زنان برونگرا دارد. یافته اخیر همسو با یافته های روانگرد، محمدی، سجادی و قناتوی نژاد (۲۰۱۴) بوده و با یافته های حاصل از مطالعه کوستا و کوستا<sup>۴</sup> (۲۰۱۲) ناهمسو است. در این پژوهش ها، خون گرمی و مهارت های ارتباطی قوی تر که مختص افراد برونگرا می باشد، روند برقراری روابط را تسهیل نموده و باعث میشود فرد به لایه های درونی تر ارتباط با مخاطب خود نفوذ کند. بنابر این افراد برونگراتر با گرمی و پذیرش بیشتری مواجه شده و در بیان حالات خود با آسودگی بیشتری عمل خواهند کرد. در نتیجه چنین تعاملاتی امکان درک آنها از سوی دیگران افزایش پیدا کرده و راه برای پیش برد فرآیند همدلی هموارتر میشود. با وجود آنچه ذکر شد باید تأثیر بافت فرهنگی جوامع مختلف را نیز در مرتبط ساختن ویژگی شخصیتی برونگرایی با همدلی عاطفی در نظر گرفت.

مطالعه سانگ و شای (۲۰۱۷) با موضوع ارتباط ابعاد همدلی (هیجانی یا عاطفی، شناختی، اخلاقی و رفتاری) و پنج عامل بزرگ شخصیتی در دانشجویان پزشکی چین نشان داد صفات پنجگانه شخصیت به خوبی ابعاد سه گانه دیدگاه سوگیری، توجه همدلانه و درماندگی شخصی در همدلی را پیش بینی می کنند. به بیان این پژوهشگران سازش پذیری ارتباطی قوی با توجه همدلانه و رابطه ای متوسط با دیدگاه گیری داشته است. نوروزگرایی با درماندگی شخصی از رابطه ای قوی برخوردار بوده و ارتباط متوسطی با دیدگاه گیری نشان داده است. رابطه گشودگی نسبت به تجارب جدید با دیدگاه گیری و درماندگی شخصی، رابطه ای متوسط به دست آمده و وظیفه شناسی نیز با دیدگاه گیری همبستگی داشته است. همچنین دباریو و همکاران (۲۰۰۴) ارتباط بین همدلی را با صفات پنجگانه شخصیت در نوجوانان اسپانیایی مطالعه کرده و دریافته اند، بین همدلی و سازش پذیری و برونگرایی ارتباط بسیار قوی وجود دارد. این محققان بیان داشتند که ارتباط بین همدلی با برونگرایی، وظیفه شناسی و گشودگی معنادار بوده اما اهمیت کمی در تحلیل رگرسیون داشته است. در مطالعه مذکور برخلاف انتظار محققان رابطه معناداری بین ثبات هیجانی و همدلی نوجوانان مشاهده نگردید. کوستا و کوستا (۲۰۰۱) در پژوهشی که به منظور بررسی ابعاد شخصیتی در دانشجویان پزشکی انجام داده بودند، ارتباط همدلی را در این جمعیت با سازش پذیری و گشودگی نسبت به تجارب، معنادار یافته و بین نوروزگرایی، وظیفه شناسی و برونگرایی رابطه معناداری گزارش نکردند.

همدلی توانایی مهمی است که به فرد امکان می دهد خود را با اینکه چگونه دیگران احساس یا فکر می کنند هماهنگ سازد. همدلی به فرد اجازه برقراری تماس موثر با دنیای اجتماعی پیرامون خود را میدهد، او را به دنیای اجتماعی پیوند میزند، کمک به دیگران را برای فرد ترسیم میکند و از وارد کردن آسیب به افراد دیگر جلوگیری میکند. تحقیقات نشان می دهند همدلی

متغیری مهم در رفتارهایی است که شامل فهمیدن، ایجاد راحتی و رفتار یاری گرانه (دادس، ۲۰۰۹)، ارزش قائل شدن برای رفاه دیگری و فهم آنچه دیگری نیاز دارد، انعطاف پذیری و نشان دادن حساسیت به نیازهای دیگری است.

همدلی ساختاری چند بعدی، متشکل از ابعاد عاطفی و شناختی است (مارشال، مارشال، سران و اوپرایان، ۲۰۰۹). همدلی مرکز آگاهی اجتماعی است، از طریق همدلی عاطفی ظرفیت تجربه هیجانات فرد دیگر برای افراد به دست می‌آید و همدلی شناختی دربرگیرنده فهم حالت هیجانی دیگران است. همدلی توجه فراوانی را از حوزه های تحقیقاتی گوناگونی چون روانشناسی، علوم عصبی شناختی و روانپزشکی به خود جلب کرده است. همدلی پاسخ عاطفی جانشینی فرد به واکنشهای عاطفی دیگران است (علی، آموریم و چامورو پریموزیک، ۲۰۰۹). همدلی ظرفیت بنیادین افراد است که به تنظیم روابط، حمایت از فعالیت های مشترک و انسجام گروهی کمک میکند. این توانایی در زندگی اجتماعی افراد نقش اساسی بر عهده دارد (ریف، کتلا و ویفرینگ، ۲۰۱۰). در واقع، همدلی عاطفی نیروی برانگیزنده رفتارهای اجتماعی و رفتارهایی است که انسجام گروهی را در پی دارد. ابراز مناسب همدلی مستلزم دارا بودن مهارت‌های اجتماعی است (هانتر، فیگوئردو، بکر و ملامودا، ۲۰۰۷). همدلی عنصر ضروری برای عملکردهای موفقیت آمیز بین شخصی است (خدابخش و بشارت، ۲۰۱۱).

نظریه روابط بین همدلی عاطفی و رفتارهای اجتماعی پیشنهاد می کند افرادی با همدلی عاطفی بالاتر، به منظور کاهش احساسات منفی دیگران یا به دلیل خودخواهانه (کاهش پریشانی نیابتی خود آنها) یا به دلیل نوع دوستانه (کاهش پریشانی دیگران) عمل می کنند. در مقابل افرادی با همدلی پایین احتمال بیشتری دارد که به شیوه درون گرایانه رفتار کنند. بخشی از این شیوه رفتار به این دلیل است که افرادی با همدلی پایین به وسیله تجربیات جانشینی و یا درک حالت‌های هیجانی دیگران برانگیخته نمی‌شوند. این افراد نمی توانند درد را بفهمند و تجربه کنند، رنج ببرند. در واقع افرادی با همدلی عاطفی پایین ممکن است در پیوند بین رفتارهای اجتماعی خودشان با واکنشهای هیجانی دیگران با شکست مواجه شوند. روابط فرض شده بین همدلی پایین و رفتارهای اجتماعی اغلب در تحقیقات جرم شناختی و روانشناسی مورد بررسی قرار گرفته اند. برای مثال همدلی پایین بعد اساسی در ساختار شخصیتی سایکوپات است که متشکل از ویژگی های رفتاری و روانشناختی است که با افزایش احتمال خشونت رابطه دارد. تحقیقات در زمینه بررسی ساختار شخصیتی سایکوپات در دوران کودکی نیز بر سطوح پایین همدلی یا ساختارهای مرتبطی چون بی-تفاوتی رفتاری به عنوان بعد اساسی این ساختار تاکید میکنند (بالیر، ۲۰۰۸).

این مطالعات نشان می دهند ساختار شخصیتی سایکوپات با نقص در بازشناسی هیجانات خاص رابطه دارد. در نظریات استدلال اخلاقی، همدلی (هیجانی یا عاطفی، شناختی، اخلاقی و رفتاری) به عنوان برانگیزنده نوع دوستی و بازدارنده رفتارهای پرخاشگری در نظر گرفته میشود (پالمر، ۲۰۰۵). این نظریات استدلال می کنند افرادی که قادر به همدلی هستند و نیابتاً نتایج رفتار خود نسبت به دیگران را تجربه می کنند، احتمال کمتری دارد که به دیگران آسیب رسانده و رفتار پرخاشگرانه داشته باشند و احتمال بیشتری دارد که به آنها کمک کنند. در واقع همدلی به عنوان یک عامل محافظ در برابر پرخاشگری عمل می کند. همدلی پسخوراند بالا فاصله ای ایجاد می کند و فرد را از رفتار پرخاشگرانه از طریق آگاهی از پیامد رفتار و احتمالاً همدردی نسبت به رنج دیگری، منصرف می کند.

توانایی همدلی با مشکلات اجتماعی و اختلالات درونی سازی چون افسردگی رابطه منفی دارد (گلیسون، جنسن کمپل و ایکس، ۲۰۰۹). می توان گفت همدلی عاطفی نقش مهمی در سازش اجتماعی و روانشناختی بر عهده دارد (کاستلیو، سالگوئرو، فرناندز بروکل و بالوئرکا، ۲۰۱۳). تحقیقات نشان می دهد اگر فردی به لحاظ احساسی دیگران را درک کند، احتمال کمتری وجود دارد که موجب پریشانی فرد دیگر شود. دیدن اینکه دیگران در پریشانی هستند به عنوان یک محرک نامطلوب عمل

1Dadds

2Marshall, Marshall, Serran & O'Brien

3Ali, Amorim, Chamorro & Premuzic

4Hunter, Figueredo, Becker & Malamuth

Palmer

Castillo, Salguero, Fernández - Berrocal & Balluerka

میکند و موجب رفتار فرد به منظور کاهش پرخاشگری به واسطه واکنشهای نامطلوبی که فرد عمل کننده شاهد پریشانی دیگران است، میشود. در مقابل افرادی با همدلی پایین، در کاهش پریشانی و ناراحتی در دیگران شکست می خورند. یک دلیل برای این موضوع این است که این افراد به وسیله تجربیات نیابتی برانگیخته نمی شوند و درکی از حالت های هیجانی دیگران ندارند (جولیفی و فارینگتن، ۲۰۰۶).

به طور کلی با توجه به نقش همدلی عاطفی در افراد برونگرا بر ایجاد جو مثبت سازمانی و تاثیر این جو بر رفتارهای مسئولانه (مسئولیت اجتماعی) مانند خودکنترلی، مراقبت و توجه به مسئولیت ها، کسب اعتماد به نفس، کسب موفقیت تحصیلی در رده های سنی مختلف در زنان، به نظر می رسد که این مؤلفه به عنوان مفهومی قابل آموزش و توسعه گزینه ای مهم برای بهبود عملکرد اجتماعی، شغلی و تحصیلی است. پژوهش های بیشتر در خصوص روشن شدن سایر پیشایندها و پیامدهای همدلی عاطفی و همچنین نحوه تاثیر آنها بر ویژگی های شخصیتی ضروری بنظر می رسد.

### فرضیه سوم:

#### بین کفایت اجتماعی در بین زنان درون گرا و برون گرا تفاوت وجود دارد.

براساس نتایج جدول ۴-۵ نتایج تحلیل واریانس یک طرفه نشان دهنده است که بین دو گروه از زنان درون گرا و برون گرا بر اساس کفایت اجتماعی تفاوت معنادار و در سطح ۰/۰۱ وجود دارد به طوری که می توان ادعان داشتگفت کفایت اجتماعی در بین زنان گروه برونگرا بیشتر از زنان گروه درونگرا می باشد که این یافته ها با نتایج پژوهش های بحری و یوسفی (۱۳۹۲)، قنبری و پورشهریاری (۱۳۹۵)، یزدخواستی (۱۳۹۰)، کیکالم و اسوارتز<sup>۲</sup> (۲۰۱۳)، لوپز<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۱)، ونس<sup>۴</sup> (۲۰۱۲)، سوانسون و مالون (۲۰۱۲) و جلیل آبکنار و همکاران (۲۰۱۳) همسو است.

در تبیین این یافته که کفایت اجتماعی در بین زنان گروه برونگرا بیشتر از زنان گروه درونگرا می باشد، میتوان گفت از آن جایی که زنان در برخی از جنبه های رشد و تحول و بر اساس زمینه های فرهنگی و اجتماعی به ویژه در زمینه کفایت اجتماعی مشکلاتی دارند، در مقایسه با افراد عادی چالش های بیشتری را تجربه میکنند و بسیاری اوقات عامل اصلی مشکلات آنها در برقراری ارتباط مؤثر و انطباق با محیط پیرامونی و استفاده نادرست از مهارت هاست که زنان درونگرا در این چالش بیشتر به مشکل دچار می شوند و زنان برونگرا نیز مقابله بهتری با این مساله دارند.

از جمله عواملی که توانایی افراد را در رویارویی و غلبه بر استرس افزایش می دهد، احساس داشتن حمایت و کفایت اجتماعی است که هدف آن، کمک به گیرنده حمایت است و میتواند شامل حمایت های روان شناختی (همدلی، مراقبت، عشق و ایثار) مالی و اطلاعاتی باشد (دیویدسون<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۸). پژوهش ها نشان داده است که وجود کفایت اجتماعی از طریق ایجاد روابط نزدیک با دیگران، باعث بازداشتن شخص از نشخوار ذهنی درباره موضوع تنش زا شده و سبب سازگاری بهتر با فشار و استرس میشود (هاروی، پولز و زیگموند<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲). کسب کفایت اجتماعی و درمیان گذشتن افکار و احساسات خود با دیگران، از طریق جلوگیری کردن از سرکوب مداوم هیجانها، تأثیر مستقیمی بر سلامت شخص و رابطه با دیگران میگذارد.

همچنین نتایج پژوهش بیرامی، هاشمی نصرت آباد، بدری گرگری و دبیری (۱۳۹۵) نشان داد که آموزش کفایت اجتماعی بر افزایش سازگاری روانی اثربخش است، در واقع این افزایش در گروه های تبحری اجتماعی و عملکردگرایی اجتماعی صورت گرفته بود، ولی در افزایش سازگاری اجتماعی گروه عملکردگریزی اجتماعی تأثیری دیده نشد که در پژوهش حاضر تایید کننده و گویای این موضوع بود و زنانی که احساس کفایت اجتماعی بیشتری در حوزه های شغلی و روابط بین فردی خود داشتن، کسانی بودند که به لحاظ ویژگی های شخصیتی نیز در سطح برونگرایی بالایی بودند.

<sup>1</sup>olliffe & Farrington

<sup>2</sup>Keikelame, M.J., Swartz

<sup>3</sup>Lopez

<sup>4</sup>ance

<sup>5</sup>Davidson

<sup>6</sup>Harvey, Pauwels & Zickmund

همچنین بین خرده مقیاسهای کفایت اجتماعی (مهارت و توانایی شناختی - مهارت رفتاری - کفایت هیجانی - آمایه انگیزشی و انتظار) با درونگرایی و برونگرایی رابطه معناداری مشاهده شد. در واقع بین خرده مقیاس مهارت رفتاری و کفایت هیجانی در بین زنان برونگرا و درونگرا با اطمینان ۹۹ درصد تفاوت معناداری وجود دارد. در حالی که در زمینه خرده مقیاس های مهارت و توانایی شناختی و آمایه انگیزشی و انتظار در بین زنان برونگرا و درونگرا تفاوت معناداری مشاهده نگردیده است. خرده مقیاس (مهارت رفتاری) در بین گروه برونگرا و درونگرا تا ۷۳ درصد قدرت تبیین دارد و خرده مقیاس (کفایت هیجانی) در بین گروه زنان برونگرا و درونگرا ۱۵ درصد قدرت تبیین خواهد داشت که پژوهش های مختلفی نیز این موضوع را تایید کردند (کایر،<sup>۱</sup> ۲۰۱۰).

طبق نظر گیلیگان (به نقل از رایس، ۲۰۰۱؛ ترجمه فروغان، ۱۳۸۷) زنان برخلاف مردان خود را از طریق رابطه شان با دیگران تعریف می کنند؛ اما امروزه زنان رشد اجتماعی متفاوت و اغلب پیچیده تری از مردان دارند. زنانی که فعالیت های غیر سنتی را دنبال می کنند معمولاً ویژگی های مردانه دارند که از آن جمله می توان به جهت گیری پیشرفت، تاکید بر فردگرایی و این انتظار که از طریق تلاش های خودشان زندگی مرفهی را برای خود تامین کنند اشاره نمود (سلیگمن به نقل از برک، ۲۰۰۷؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۷). در سال های اخیر نیز کشور ما شاهد حضور روز افزون و گسترده زنان در عرصه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و آموزشی (حدود ۷۰ درصد متقاضیان ورود به دانشگاه ها را زنان تشکیل می دهند) بوده که خود نیازمند تغییرات رفتاری و روانی در زنان است که موجب شده تا از تصورات قالبی و نقش های رفتاری خدمت به گروه خارج شوند و کفایت اجتماعی بیشتری را تجربه کنند.

به طور خلاصه، بر اساس یافته های پژوهش حاضر می توان به دو دسته پیامد عملی و نظری پژوهش اشاره کرد: در سطح عملی، تهیه برنامه های آموزشی و مداخله ای اصلاح و تغییر ویژگی های شخصیتی، می-تواند مهارت ها و راهبردهای مناسب و کارآمد در زمینه بهبود کیفیت روابط بین شخصی، همدلی کردن را به فرد آموزش دهد. پس از تغییرات مقدماتی در سطح ویژگی های شخصیتی، تمرکز بر رابطه بین شخص - دیگری و تغییرات ضروری در سطح این رابطه، می تواند در دستور کار برنامه های آموزشی و مداخله ای قرار گیرد. در سطح نظری، یافته های پژوهش حاضر می تواند هم به غنای نظریه های فعلی مربوط به شخصیت و روابط بین شخصی کمک کند و هم پرسش ها و فرضیه های جدیدی را در مورد نسبت و رابطه ویژگی های شخصی و بین شخصی در چهارچوب پژوهش های مربوط به شخصیت و روابط بین شخصی مطرح سازد.

### پیشنهادهای کاربردی

- با توجه به یافته های پژوهش، برای پیشگیری و درمان فرسودگی شغلی در آن دسته از کارکنانی که درونگرا هستند، پیشنهاد میشود که آموزش مدیریت استرس، تغییر رفتارهای مشکل آفرین، آموزش مهارتهای ارتباطی میان فردی، بهبود کمیت و کیفیت شبکه های ارتباطی در سازمان، ایجاد تعادل بین ضروریات و مقتضیات شغلی و خانوادگی، در دستور کار برنامه ریزان و مدیران سازمان نظام مهندسی قرار گیرد.
- اگر امکان انجام مطالعه ای کیفی فراهم می آمد، قطعاً ظرافت های بیشتری برجسته می شد.
- باتوجه به محدودیت های فضای کاری آزمودنی های پژوهش، صرفاً استفاده از یک ابزار برای گردآوری اطلاعات مقدور گردید، در صورتی که اگر امکان استفاده تزامنی از پرسشنامه و مصاحبه به وجود می آمد، نتایج قابل اطمینانتری حاصل می شد.
- بنابراین برای پژوهشهای آتی پیشنهاد میشود که پژوهش روی سایر گروه ها، و مقایسه جنسیتی نیز انجام گیرد.

- در بررسی، همدلی و کفایت اجتماعی و صفات شخصیت به انواع برنامه های آموزشی توجه شود و تأثیر مداخلات بر روی سایر ویژگیهای افراد با ویژگی های درونگرایی و برونگرایی در سنین مختلف بررسی شود.

## منابع

- بشارت. محمد علی،، گرنامهیه پور، شیوا، علی پور، نقدعلی، افقی، زهرا، حبیب نژاد، محمد، آقایی ثابت، سارا. (۱۳۹۳). رابطه ناگویی هیجانی و مشکلات بین فردی: نقش تعدیل کننده سبکهای دلبستگی. روانشناسی معاصر. ۹ (۱) ۱۶-۱۳.
- باباپور خیرالدین، جلیل. (۱۳۸۵). بررسی رابطه شیوه های حل تعارض ارتباطی با سلامت روان دانشجویان، فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز، سال ۱، شماره ۴۴، ص ۲۷-۴۶.
- گروسی فرشی، میرتقی،، صوفیانی، حکیمه. (۱۳۸۷). بررسی رابطه ی بین ابعاد شخصیت و سلامت عمومی در دانشجویان دانشگاه تبریز. دو فصلنامه علوم تربیتی - روانشناسی. (2)9: 64-47.
- رایس، فیلیپ. ف. (۱۳۸۷). رشد انسان، روانشناسی رشد از تولد تا مرگ. ترجمه مهشید فروغان. تهران: انتشارات ارجمند.
- برک، لورا. ای. (۱۳۸۷). روانشناسی رشد، از نوجوانی تا پایان زندگی. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: انتشارات رشد.
- بشارت، م، ع،، خدابخش، محمدرضا، فراهانی، حجت الله، رضازاده، محمدرضا. (۱۳۹۰). نقش واسطه ای خودشیفتگی در رابطه بین همدلی و کیفیت روابط بین شخصی. روانشناسی کاربردی. ش ۱۷، ص ۱۷-۲۳.
- تقی لو، صادق،، شگری، امید،، طولابی، سعید،، تقوایی نیا، علی. (۱۳۹۰). دشواری های بین فردی در نوجوانان تفاوت های جنسی و سنی. مجله روانشناسی تحولی: شماره ۲۸، ص ۳۳۱-۳۳۸.
- چلیبانلو، غلامرضا، گروسی فرشی، میرتقی. (۱۳۸۹). رابطه آزمون پنج عاملی بزرگ شخصیت با آزمون SCL-90-R: نگاهی به قابلیت آزمون نیو در ارزیابی سلامت روانی. مجله علوم رفتاری: دوره ۴، ش ۱، ص ۵۱-۵۸.
- Alden, L. E., & Taylor, C. T. (2004). Interpersonal processes in social phobia. *Clinical Psychology Review*, 24: 857-882.
- Ali, F., Amorim, I. S., & Chamorro Premuzic, T. (2009). Empathy deficits and trait emotional intelligence in psychopathy and Machiavellianism. *Personality and Individual Differences*, 47: 758-762
- Ang, R. P., Huan, V. S., Chan, W. T., Cheong, S. A., & Leaw, J. N. (2015). The role of delinquency, proactive aggression, psychopathy and behavioral school engagement in reported youth gang membership. *Journal of adolescence*, 41, 148-156
- Blair, R.J. (2008). Fine cuts of empathy and the amygdala: Dissociable deficits in psychopathy and autism. *Quarterly Journal of Experimental Psychology*, 61, 157-170.
- Brown, R. P., & Zeigler-Hill, V. (2004). Narcissism and the non-equivalence of self-esteem measures: A matter of dominance? *Journal of Research in Personality*, 38: 585-592.
- Brown, D. (2001). The relationship between attachment styles, Trust and marital attitudes of college students. Faculty of the Graduate School of psychology. Seton Hall University Los Angeles. California.
- Castillo, R., Salguero, J.M., Fernández Berrocal, P., & Balluerka, N.(2013). Effects of an emotional intelligence intervention on aggression and empathy among adolescents, *Journal of Adolescence* 36: 883-892.

- Costa, M.J. (2014). Associations between medical student empathy and personality: A multi institutional study. *PLoS One*. 9(3): e89254. 30.
- Costa, P.T Jr, Terracciano, A, McCrae, R.R. (2001). Gender differences in personality traits across cultures: Robust and surprising findings. *J Pers Soc Psychol*. 81(2): 322-331.
- Dadds, M., Hawes, D., Frost, A., Vassallo, S., Bunn, P., Hunter, K., . . . Merz, S. (2009). Learning to 'talk the talk': The relationship of psychopathic traits to deficits in empathy across childhood. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 50, 599-606.
- Davidson, L.M., Demaray, M.L., Malecki, C, H.K., Ellonen, N., & Korkiamaki, R. (2008). United State Finnish adolescent's perception of social support: A cross-cultural analysis. *School Psychology International*, 29, 363-375.
- De Wied, M., Wied, C. G. D., & Boxtel, A. V. (2010). Empathy dysfunction in children and adolescents with disruptive behavior disorders. *European Journal of Pharmacology*, 626: 97-103.
- Dewan MJ, Steenbarger BN, Greenberg RP. (2004). The art and science of the brief psychotherapies. London: American psychiatric publishing, Inc; 18 (18), 525- 534.
- Fitzgibbon, B. M., Giummarra, M. J., Karistianis, N. G., Enticott, P. G., & Bradshaw, J. L. (2010). Shared pain: From empathy to synaesthesia. *Neuroscience and Bio behavioral Reviews*, 34: 500-512.
- García-López, L. J., Olivares, J., Hidalgo, M. D., Beidel, D. C., & Turner, S. (2008). Psychometric properties of the Social Phobia and Anxiety Inventory, the Social Anxiety Scale for Adolescents, the Fear of Negative Evaluation Scale and the Social Avoidance and Distress Scale in an adolescent Spanish-speaking sample. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 23, 51-59.
- Garooci Farashi, M.T., Mani, A., Bakhshipor, A. (2007). Investigating the relationship between personality factor and happiness among Tabriz University students. *Journal of psychology*; 1(1): 143-58. (Persian).
- Gleason, K. A., Jensen-Campbell, L., & Ickes, W. (2009). The role of empathic accuracy in adolescents' peer relations and adjustment. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 35(8), 997-1011.
- Harris, P.L. (2000). *The Work of the Imagination*. Blackwell, Oxford
- Harvey, J.H., Pauwels, B, G., & Zickmund, S. (2002). Relationship connection: The role of minding. In C.R. Snyder and S.J. Lopez (Eds.), *Handbook of positive psychology*. New York : Oxford University Press.
- Hojat, M., Zuckerman, M., Magee, M., Mangione, S., Nasca, T., Vergare, M., et al. (2005). Empathy in medical students as related to specialty interest, personality, and perceptions of mother and father. *Pers Indiv Differ*. 39: 1205-1215. 8.
- Hojat, M., Zuckerman, M., Magee, M., Mangione, S., Nasca, T., Vergare, M., & Gonnella, J. S. (2005). Empathy in medical students as related to specialty interest, personality, and perceptions of mother and father. *Personality and Individual Differences*, 39: 1205-1215.
- Horowitz, L. M. (1994). Schemas, psychopathology, and psychotherapy research. *Psychotherapy Research*, 4, 1-19.
- Hills, P., Argyle, M. (2001). Emotional stability as major dimension of happiness. *Pers Individ Dif*; 31: 1357-64.

- Horowitz, L. M., Rosenberg, S. E., Baer, B. A., Ureno, G., & Villasenor, V. S. (1988). Inventory of Interpersonal Problems: psychometric properties and clinical applications. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 56, 885-892.
- Hunter, J. A., Figueredo, A. J., Becker, J. v., & Malamuth, N. (2007). Non-sexual delinquency in juvenile sexual offenders: the mediating and moderating influences of emotional empathy. *Journal of Family*, 22: 43-54
- Inglés, C. J., Hidalgo, M. D., Méndez, F. X. (۲۰۰۵). Interpersonal difficulties in adolescence: A new self-report measure. *European Journal of Psychological Assessment*, ۲۱, ۱۱-۲۲.
- Ingles, C. J., La Greca, A. M., Marzo, J. C., Garcia-Lopez, L. J., & Garcia-Fernandez, J. M. (۲۰۱۰). Social Anxiety Scale for Adolescents: Factorial invariance and latent mean differences across gender and age in Spanish. *Journal of Psychological*. ۹(۳): ۴۲۵-۵۴.
- Jalil-Abkenar, S.S., A'shouri, M., Pourmohammadreza-Tajrishi, M. (2013). Investigation of the effectiveness social competence instruction on the adaptation behavior in boy students with intellectual disability . *Archives of Rehabilitation*; 13(5):104-113.
- Jolliffe, D., & Farrington, D. P. (2004). Empathy and offending: A systematic review and meta-analysis. *Aggression and Violent Behavior*, 9: 441-476.
- Keikelame, M.J., Swartz, L. (2013). Lost opportunities to improve health literacy: Observations in a chronic illness clinic providing care for patients with epilepsy in Cape Town South Africa. *Epilepsy & Behavior*; 26(1):36-41.
- Keir, S.T.( 2010). Effect of massage therapy on stress levels and quality of life in brain tumor patients-observations from a pilot study. *Supportive Care in Cancer*.; 19(5):711-5.
- Khodabakhsh, M. R., & Besharat, M. A. (2011). Mediation effect of narcissism on the relationship between empathy and the quality of interpersonal relationships. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 902-906
- Lawrence, E. J., Shaw, P., Baker, D., Baron-Cohen, S., & David, A. S. (2004). Measuring empathy: Reliability and validity of the empathy quotient. *Psychological Medicine*, 34: 911-924.
- Lopez, C., Antoni, M., Penedo, F., Weiss, D., Cruess, S., Segotas, M.C., et al. (2011). A pilot study of cognitive behavioral stress management effects on stress, quality of life, and symptoms in persons with chronic fatigue syndrome. *Journal of Psychosomatic Research*; 70(4):328-34.
- Magalhães, E., Costa, P., Costa, M.J. (2012). Empathy of medical students and personality: Evidence from the Five-Factor Model. *Med Teach*. 34(10): 807-812.
- Mark, S. Allen, I, G, and Jones, M. (2011). "An investigation of the five – factor model of personality and coping behavior in sport". *Journal of sports sciences*. Vol. 29, No. 8, PP: 481-850
- Marshall, W. L., Marshall, L. E., Serran, G. A., & O'Brien, M. D. (2009). Self-esteem, shame, cognitive distortions and empathy in sexual offenders: Their integration and treatment implications. *Psychology, Crime & Law*, 15, 217-234.
- Mazlom, S.R., Darban, F., Vaghei, S., Modarres gharavi, M., Kashani Lotfabadi, M., Shad, M. (2012). The effect of Stress Inoculation Program (SIP) on nurses' perceived stress in psychiatric wards. *Evidence Based Care Journal*; 2(1):35-44.
- Nummenmaa, L., Hirvonen, J., Parkkola, R., & Hietanen, J. K. (2008). Is emotional contagion special? An fMRI study on neural systems for affective and cognitive empathy. *Neuro Image*, 43: 571-580.

- Palmer, E. J. (2005). The relationship between moral reasoning and aggression, and the implications for practice. *Psychology, Crime, and Law*, 11(4), 353-361.
- Pranis, K. (2000). Empathy development in youth through restorative practices. *Public Service Psychology Newsletter*, 25(2). Accessed in the Minnesota Department of Corrections web site: [www.corr.state.mn.us.RJ/publications/rjempathy.htm](http://www.corr.state.mn.us.RJ/publications/rjempathy.htm)
- Ravangard, R., Mohamadi, Z., Sajjadnia, Z., Ghanavatinejad, Z. (2014). Nurses' Job Involvement and Their Personality Traits in Teaching Hospitals Affiliated to Shiraz University of Medical Sciences. *Health Scope*. 2(5): e15096. 24.
- Rieffe, C., Ketelaar, L., & Wiefferink, C. H. (2010). Assessing empathy in young children: Construction and validation of an Empathy Questionnaire (EmQue). *Personality and individual differences*, 49(5), 362-367.
- Rieffe, C., Ketelear, L., & Wiefferink, C. H. (2010). Assessing empathy in young children: construction and validation of an empathy questionnaire (em que). *Personality and individual differences*, in press.
- Shamay-Tsoory, S. G, Aharon-Peretz, J., & Perry, D. (2008). Two systems for empathy: A double dissociation between emotional and cognitive empathy in inferior frontal gyrus versus ventromedial prefrontal lesions. *Brain*, 132: 617-627.
- Skinner, C., Spurgeon, P. (2005). Valuing empathy and emotional intelligence in health leadership: a study of empathy, leadership behaviour and outcome effectiveness. *Health Serv Manage Res*. 18(1): 1-12.
- Song, Y., Shi, M. (2017). Associations between empathy and big five personality traits among Chinese undergraduate medical students. *Plos One*. 12(2): e0171665.
- Sousa, A. D., McDonald, S., Rushby, J., Li, S., Dimoska, A., & James, C. (2010). Understanding deficits in empathy after traumatic brain injury: The role of affective responsivity. *Cortex*, in press.
- Yu, J., Kirk, M. (2008). Measurement of empathy in nursing research: Systematic review. *J Advanc Nurs*. 64: 440-454.